کسر بودجه - عدالت مالیاتی و تورم

امینی، امیر هوشنگ

در اخبار بود که آقای وزیر امور اقتصادی و دارایی در گردهمایی مسئولان و مدیران کل این وزارتخانه به گونه‏ای‏ متفاوت از وزاری پیشین با عنوان کردن ضرورت برقراری‏ عدالت مالیاتی،پذیرش ضمنی ضرورت اداره امور کشور با بهره‏گیری از درآمدهای مالیاتی و...ضمن ادای بیاناتی‏ درباره نظام مالیاتی کشور،رابطه آن با کسر بودجه و در نهایت تورم که همه و همه مفاهیمی پر معنا،درخور توجه‏ و گاه مورد بحث و جدل می‏باشند به درستی عنوان کرده‏اند که براساس برآوردی که انجام پذیرفته مشخص شده‏ است که:"به ازای هر 5 هزار میلیارد ریال کسری بودجه‏ حدود 8 تا 9 درصد به نرخ تورم اضافه می‏شود".واقعیتی‏ که درهرحال منجر به چاپ اسکناس یا استقراض از نظام‏ بانکی خواهد شد و بی‏تردید مورد دوم آن اثری مضاعف‏ بر افزایش مرئی و نامرئی نقدینگی جامعه و به تبع آن‏ افزایش نرخ تورم خواهد داشت.واقعیت که خوشبختانه‏ اینبار جناب وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز به آن اشارت‏ نموده،فرموده‏اند:"شرایط کشور اکنون به گونه‏ایست که‏ ادامه شیوه گذشته دیگر امکان‏پذیر نیست و بنابراین باید روند را اصلاح کنیم‏".

پرسشی که اکنون مطرح است اینکه چگونه می‏خواهیم‏ کار اصلاح روند را آغاز کنیم؟آیا برخوردار شدن از قانونی‏ که عدالت مالیاتی در آن رعایت شده باشد کافی و وافی به‏ مقصود است و یا اینکه چنانچه به ناگاه فرهنگ حاکم بر نظام مالیاتی و مالیات‏گیری کشور تغییر کند و با وجود معاف بودن و یا دولتی بودن بیشتر فعالیتها برخورد مأموران‏ و دستگاههای وصول مالیات با مودیان مالیاتی تغییر کند و حفظ شخصیت مودیان مالیاتی که عدم رعایت آن‏ موجبات آزردگی خاطر جناب وزیر را فراهم آورد که و بی‏تردید این آزردگی مورد تقدیر همگان است،مورد توجه‏ ویژه قرار گیرد،آیا قضیه حل است و مالیاتهای واجب‏ الوصول و حقه دولت اگر نه صددرصد اما دست‏کم در حد قابل قبول وصول خواهد شد؟بی‏تردید پاسخ منفی است. بگذریم.

نکته‏ای که جناب وزیر به آن اشاره نکرده‏اند و یا نخواسته‏اند اشاره کنند وجود شرکتهای دولتی بظاهر خصوصی و سرمایه‏های ملی در دست آنان است که بنا به‏ اظهار وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی تا دو سه سال‏ پیش تعداد آنها حدود 2200 شرکت بوده است و حدود 400 هزار میلیارد از سرمایه‏های ملی را در اختیار داشته‏اند و همچنان در اختیار دارند.شرکتهائی که نه تنها وجه درخور توجهی بعنوان مالیات به خزانه دولت واریز نمی‏کنند بلکه‏ همه ساله با بهره‏گیری از تبصره‏های بودجه که بانکها را ملزم به تامین اعتبارات مورد نیاز آنها می‏سازد به گونه‏ای‏ تحمیل بر بودجه کل کشور می‏باشند.شرکتهائی که برخی‏ اشخاص در پاسخ این پرسش که این شرکتها به کدامین‏ سازمان و یا مؤسسه حساب پس می‏دهند و یا چرا بیلان‏ سود و زیان خود را منتشر نمی‏کنند و یا...با نگاه عاقل اندر سفیه و گاه از مسند شغلی پاسخ می‏دهند که:این‏ شیوه‏های پرسش غربیها را رها کنیم،این شیوه‏ها به درد کشور ما نمی‏خورد،شرکتهای دولتی برخی انتفاعی و برخی غیر انتفاعی می‏باشند،بگذارید کارشان را بکنند و ...و به تصور خود به پرسش پاسخ داده‏اند و لذا دیگر مسئله‏ ای وجود ندارد و نباید نگران بود.بگذریم.

به هر تقدیر پذیرفتنی است که نباید توقع داشت تمامی‏ مشکلات مالی کشور را وزارت امور اقتصادی و دارای حل‏ کند.اما پذیرفتنی است که مردم توقع داشته باشند وزارت‏ امور اقتصادی و دارایی به عنوان مسئول امور اقتصادی و دارائیهای کشور پیش از هر اقدامی در خصوص مالیات و مالیات‏گیری تکلیف شرکتهای دولتی و به طور کلی‏ دارائیهای ملی را مشخص کند،استراتژی حاکم بر نظام‏ مالیاتی کشور را همانگونه که عنوان شده با بهره‏گیری از توان علمی-عملی دست‏اندرکاران امور اقتصادی بویژه‏ مالیاتی مورد بازنگری قرار دهد و اصلاح کند.پذیرفتنی‏ است مردم توقع داشته باشند که باید یکبار برای همیشه‏ پذیرای این واقعیت باشیم که ما در شرایط کنونی نیازی به‏ نوآوری ویژه نداریم،بنابراین بیائیم و شعار"ره چنان رو که‏ رهروان رفتند"را پیشه خود سازیم و لذا ضمن تفهیم‏ ضرورت مالیات‏دهی و تدوین قوانین و مکانیزمهای لازم، نظام مالیاتی و رابطه آن با سایر نظامهای حاکم بر روابط و فعالیتهای اقتصادی کشور را مورد بازنگری قرار دهیم و پذیرای این واقعیت باشیم که اگر قرار است(که بی‏تردید بدون این قرار نیل به هدفهای توسعه اقتصادی میسر نخواهد بود)صادرات غیر نفتی خود را توسعه دهیم،دیگر صادرات کالا یا خدماتی که انجام می‏پذیرد نه تنها نباید مشمول مالیات یا مالیاتهای آنچنانی قرار گیرد که‏ صادرکننده را به اعمال خلاف وادار کند،بلکه ارزآوری آن‏ را مشمول جایزه ریالی کنیم و یا اینکه اگر قرار است در زمینه صادرات خدمات فنی-مهندسی فعال شویم،که‏ باید چنین باشد.نگرش و برخورد نظام مالیاتی کشور را با اینگونه شرکتها حتی متمایز از برخورد با شرکتهای‏ صادراتی فعال در زمینه صادرات کالاهای سنتی و صنعتی‏ سازیم،تا چه رسد به شرکتهای تجاری فعال در تجارت‏ داخلی و یا آنکه اگر شرکتی توانست موفقیتی در صدور خدمات فنی-مهندسی به خارج بدست آورد با آن‏ برخوردی جز این داشته باشیم که اکنون داریم و در اینجا از ذکر آن در می‏گذریم.بیائیم و یکبار برای همیشه پذیرای‏ این واقعیت باشیم که عامل اصلی تورم موجود ناشی از برداشت غیر واقع و عملکرد کارگزاران حکومتی از امور و ضعف مدیریت دولتی است و لا غیر.وگرنه چگونه ممکن‏ است در کشوری با این همه منابع و ظرفیتهای تولیدی و نیروی انسانی متبحر و مجرب،صادرات غیر نفتی کشور طی سالها در حد کمتر از 3 میلیارد دلار در سال باشد.

بیائیم و یکبار برای همیشه بپذیریم که بکارگیری‏ مفاهیم علمی و تخصصی بدون آگاهی از اثرات آن بر روند اقتصاد کشور و تنها و تنها به صرف برخوردار بودن از امکان‏ عرضه نظرات نه تنها در فرآیند اقتصاد ملی کارساز نخواهد بود بلکه اقتصاد ملی و کشور را دچار زیانهای‏ جبران‏ناپذیر و نابخشودنی خواهد ساخت.